

کتاب ایوب

جلسه ۱۴: مجموعه گفتگو ۲، ایوب ۱۵-۲۱

نوشته جان والتون

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۱۴، مجموعه گفتگوهای ۲، ایوب ۱۵ تا ۲۱ است.

مقدمه [۰۰:۵۸-۰۰:۲۶]

همانطور که در بخش گفتگو به چرخه دوم می‌رسیم، دوباره الیفاز، بلدد و صوفر صحبت خواهند کرد و ایوب به هر یک از آنها پاسخ خواهد داد. ما قصد نداریم هیچ یک از آیات خاص را در این بخش هدف قرار دهیم. بنابراین همانطور که در چرخه اول انجام دادم، زمانی را صرف باز کردن استراتژی بلاغی آنها خواهم کرد. بنابراین، هر سخنرانی را خلاصه می‌کنیم و سپس برای هر یک از گفتگوها خلاصه‌ای ارائه می‌دهیم و این موضوع ما را در اینجا پوشش می‌دهد.

چرخه ۲: واکنش الیفاز و ایوب [۰۰:۵۹-۰۲:۳۵]

بنابراین، دوباره با الیفاز، دومین سخنرانی او، شروع می‌کنیم. این در مورد چگونگی ادامه ماجرا است. ایوب رجزخوانی تو مایه ننگ است. تو فقط داری چاله عمیق‌تری برای خودت می‌کنی. چه چیزی باعث می‌شود فکر کنی که از همه بهتر هستی؟ از سرزنش کردن شرایط خودت دست بردار، مگر شرایطی که بر تو تحمیل شده است. این نتیجه فساد است که تمام بشریت در آن سهیم است. از آنجایی که افراد شرور مورد آزمایش قرار می‌گیرند، باید در نظر بگیری که چقدر با آنها وجه اشتراک داری. پاسخ ایوب: الیفاز، حرف زدن آسان است، اما اگر جای تو بودم، دلگرم‌کننده‌تر بودم. در ضمن، خدایا، چرا به من حمله می‌کنی؟ مرا رها کرده‌ای تا دشمنانم مرا عذاب دهند، و بعد خودت با ترحم به آنها ملحق می‌شوی. اگر نمی‌توانی به بدبختی من پاسخ دهی، به کسی نیاز دارم که از من دفاع کند. در مورد من، مصمم هستم که در مسیر عدالت باقی بمانم، هر چند مرگ تنها چیزی است که باید منتظرش باشم. بنابراین، ما این پاسخ را ترکیب می‌کنیم و به طور خلاصه، توصیه الیفاز را بیان می‌کنیم: با مقایسه نحوه برخورد خدا با شریران و نحوه برخورد او با شما، گناه خود را تشخیص دهید. شما تقوا را باطل کرده‌اید. پاسخ ایوب: من به محافظت در برابر حملات خدا نیاز دارم و خواستار یک وکیل هستم تا از پرونده من دفاع کند. من به کمک نیاز دارم.

چرخه ۲: بلدد و واکنش ایوب [۰۲:۳۵-۰۳:۳۶]

، این ما را به صحبت‌های بلند می‌رساند. بلند فعلاً مختصرتر صحبت می‌کند. داوری خدا بر شریران سخت است و کسانی که مشمول آن می‌شوند، از جمله تو، ایوب، را می‌توان در زمره کسانی دانست که واقعاً خدا را نمی‌شناسند.

ایوب پاسخ می‌دهد، با وجود اتهامات شما، من هیچ کاری نکرده‌ام، با این حال خدا و خشم و صفناپذیرش زندگی مرا به هم ریخته است. من مطرود و مورد تنفر همه هستم. من مطمئنم که کسی خواهد آمد و کمک خواهد کرد و درست زمانی که به نظر می‌رسد همه چیز از دست رفته است، من تبرئه خواهم شد. شما، دوستان فرضی، بیشتر از من در معرض خطر هستید.

بنابراین نصیحت کلی بلند، دست از تظاهر بردار؛ مردم شرور محکوم به فنا هستند. تو هم جزو آنها هستی. تو خدا را نمی‌شناسی. پاسخ ایوب این است که خدا زندگی مرا به هم ریخته، نه من. مدافعی خواهد برخاست و مرا از گنایه‌های تو تبرئه خواهد کرد.

چرخه ۲: واکنش صوفار و ایوب [۴:۵۸-۳:۳۶]

سپس به سمت زوفر حرکت می‌کنیم. زوفر می‌گوید، البته، مثل همیشه تو مرا آزرده خاطر می‌کنی. تو می‌دانی که قوانین چگونه کار می‌کنند؛ خودپسندی تو، تو را لو می‌دهد، زیرا همه می‌دانند که چنین غروری از ویژگی‌های افراد شرور است.

پاسخ ایوب: متوجه شدم که با طرح دعوی علیه خدا، ریسک زیادی می‌کنم. توجه کنید که او با طرح دعوی علیه خدا، کاملاً از زوفر چشم‌پوشی می‌کند. متوجه می‌شوید که چه تعداد از افراد شرور با وجود تکبرشان علیه خدا، به موفقیت می‌رسند. این باعث می‌شود فکر کنم که او هیچ کاری در این مورد انجام نمی‌دهد. در چنین دنیایی، تلاش برای پاسخگو کردن خدا، کاری پیچیده و وحشتناک است. اگر خدا به طور مداوم شریران را مجازات نمی‌کند، آیا نمی‌توانیم نتیجه بگیریم که او به طور مداوم از صالحان محافظت و آنها را به موفقیت نمی‌رساند؟ من تعجب می‌کنم. این در واقع نزدیک‌ترین چیزی است که ایوب به انکار اصل انتقام می‌گیرد. من تعجب می‌کنم، آیا نمی‌تواند اینطور باشد؟

بنابراین، در ارزیابی زوفر، گناه شما غرور شماست؛ خدا گناهکار را داوری کرده است. دیگر بس است، دیگر حرفی نیست. پاسخ ایوب این است که سیستم خراب است.

خلاصه چرخه ۲ [۵:۵۴-۴:۵۸]

بنابراین، خلاصه ما از چرخه دوم: چرخه دوم به طور کلی، بر فرضیه اصل انتقام جویی مبنی بر اینکه خداوند شریران را داوری می‌کند، متمرکز شده است. استنباط‌های مرتبط با آن تلویحاً می‌گویند کسانی که ظاهراً تحت داوری هستند، باید واقعاً شرور باشند. آخرین سخنرانی ایوب بیش از هر زمان دیگری به رد اصل انتقام جویی نزدیک می‌شود. دوستانش اعتماد خود را به ایوب از دست داده‌اند و دیدگاه ایوب نسبت به خدا همچنان رو به

وخامت است، اگرچه او بی‌وقفه بر حقانیت خود اصرار دارد. این بخشی از ایوب است که قلعه خود را در گوشه خود می‌سازد و مایل است خدا را زیر سوال ببرد. او اعتراف و راحل‌های دلجویی را که توسط دوستانش پیشنهاد می‌شود، رد می‌کند، زیرا تمایل او برای حل و فصل قانونی افزایش می‌یابد.

تبرئه (ایوب) در مقابل احیا (دوستان) [۷:۳۴-۵:۵۴]

ایوب همچنان بر تبرئه شدن به جای احیا اصرار دارد. ببینید، این همان تفاوت بین عدالت و چیزهای دیگر است. تبرئه شدن یعنی: تو عادل هستی. احیا یعنی: چیزهایم را به من پس بده. دوستان به سمت احیا تلاش می‌کنند. ایوب برای تبرئه شدن تلاش می‌کند. این یک تمایز واقعاً مهم در کتاب است. به یاد داشته باشید، دقیقاً همین است که صداقت ایوب را تعریف می‌کند. بنابراین، ایوب بر تبرئه شدن به جای احیا اصرار دارد. دوستانش تبرئه شدن را انتظاری غیرواقعی و بیهوده می‌دانند. از نظر آنها، ایوب باید با شروران همذات‌پنداری کند، زیرا تجربیاتش بی‌شک او را در آن دسته قرار می‌دهد. ایوب، بهتر است اعتراف کنی؛ تو هم جزو این گروه هستی.

بنابراین، می‌بینیم که پس از این چرخه، اوضاع بهتر نمی‌شود. ایوب به طور فزاینده‌ای توسط دوستانش در میان شریران قرار می‌گیرد. با این حال، او همچنان به طرح دعوی خود علیه خدا ادامه می‌دهد. حالا در بخش بعدی، به یکی از بخش‌های کوچک آیات معروف که در چرخه دوم قرار دارند، توجه دقیقی خواهیم داشت. بنابراین، به طور خاص به آن خواهیم پرداخت و سعی خواهیم کرد آن و نقشش را در چرخه دوم که خلاصه کرده‌ایم، درک کنیم.

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۱۴، مجموعه گفتگو ۲، ایوب ۱۵ تا ۲۱ [۷:۳۴] است.